

برای «عیار» شدن چه کار باید کرد

۱۵ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۵۱

خیانت در کار عیاران نبود و عقیده داشتند که خیانتکار، خود سزای خود را خواهید دید، هرچند او از بزرگان و یاران سران قوم باشد.

عیاران، جوانمردانی بودند که به رسم «فتوت» روزگار می‌گذراندند و در تاریخ ایران، به بخشندگی و کمک به تنگدستان مشهورند. البته هر کلیت تاریخی، توضیحاتی هم دارد. شاید برداشت قرن بیست یکمی ما از آن عیاران کاملاً هم مطابق با حقیقت نباشد. آن‌ها به اموال توانگران آسیب‌های جدی می‌زدند و گاهی هم سر از قدرت‌طلبی و آزمندی در می‌آوردند. با این همه در میانشان بوده‌اند افرادی که سنت عیاری را پاس داشتند و به مردم و گرسنگان یاری رساندند. متن زیر به چند جنبه از زندگی عیاران می‌پردازد که از کتاب «یعقوب لیث» نوشته دکتر ابراهیم باستانی پاریزی برگرفته شده است:

«بنای کار عیاران بر جوانمردی بود. در شهرها شبروی و شبگردی می‌کردند و گریز از بامی به بامی برای فرار از چنگ حسبت و عسس و شرطه و مامورین دولتی. کارشان تهدید ثروتمندان و متنفذین و حکام بود و کمند انداختن و خنجربازی و از برج و باروها بالا رفتن و یا زیر پل‌ها خُفتن و از نقب‌ها گذشتن؛ و بسیاری از اوقات تحمل این خطرات و مصائب برای انجام کار مردم بینوا یا دفع ظلم از مظلوم بود. بسیار چُست و چالاک بودند؛ فواصل بین شهرها و ده‌ها را از راه‌های غیرمعمول و ناشناس از بیابان‌ها و کوه‌ها و دره‌های صعب‌العبور با شتاب و بدون بیم طی می‌کردند و ماموریت خود را به انجام می‌رساندند.

شعار عیاران این بود: «من مردی نداشت (فقیر) عیارپیشه‌ام. اگر نانی یابم بخورم و اگر نه می‌گردم و خدمت عیاران و جوانمردان می‌کنم. و کاری اگر می‌کنم، آن برای نام می‌کنم، نه از برای نان، و این کار که می‌کنم از برای آن می‌کنم که مرا نامی باشد.» جوانمردان و عیاران از دروغ بیزار بودند و دروغگو را به مجازات‌های سختی محکوم می‌کردند.

داخل شدن در مجامع عیاران شرایط اخلاقی خاصی داشت. هر تازه‌واردی می‌بایست از سر صدق با الفاظی بسیار موثر مراسم تحلیف به جای آورد و بگوید: «سوگند به یزدان دادار کردگار و به نور و نار و مهر و به نان و نمکِ مردان و نصیحت جوانمردان...» و سوگند خورده به قید قسم، تعهد می‌کرد که غدر نکند و خیانت نیندیشد و این الفاظ را نه به زبان بلکه به دل می‌گفتند و اگر در دوستی جوانمردان کاری بود که بر باد شوند روا می‌داشتند و اندیشه نمی‌داشتند و به ملاحظه همین احترام به سوگند بود که اگر کسی سوگند خود را می‌شکست او را به فجیع‌ترین وضع می‌کشتند.

خیانت در کار عیاران نبود و عقیده داشتند که خیانتکار، خود سزای خود را خواهید دید، هرچند او از بزرگان و یاران سران قوم باشد، چنان که گویند: عمرو بن امیّه، عیار حمزه به مقبره حضرت آدم صفی در هندوستان رفت و نظر کرده شد. ولی هنگام خروج از حرم خواست زر و زیور مقبره را بار کند تا به عنوان میراث خود بیرون ببرد، پس از برداشتن زر و زیور هر چه گشت، در مقبره را نیافت و سرگردان ماند، عاقبت بار را به جای نهاد و در مقبره آشکار شد.



درباره نمونه جوانمردی عیاران بد نیست که داستانی نقل کنیم و آن این است که در زمانی که آشفته‌گی دارالخلافه به نهایت رسیده بود و عیاران قدرتی یافته بودند، در بغداد در حدود محله باب‌الصغیر حریقی به تحریک آنان روی داد که قسمت عمده بازار آن جا سوخت و اموال بسیاری از میان رفت. این کار رُعبی سخت در دل مردم بغداد و دستگاه خلافت و اولیای امور انداخت و ناچار شدند دست و بال عیاران را در کارها باز بگذارند و از آن روز کم کم کار عیاران تا به آنجا کشید که در سپاه راه یافتند و به مقامات لشکری رسیدند و از بازارها و دروازه‌ها باج گرفتند.

در این گیرودار یک سپاهی فقیر در میان این عیاران بود به نام زَبد، که پیش از این قضایا در کنار پلی که بعداً معروف به پل زبد شد و به نام او خوانده شد، مسکن داشت و سخت لخت و برهنه بود. اما پس از این اوضاع بر اثر تردستی‌هایی که کرد، ثروتی یافت و کارش به آنجا رسید که توانست کنیزکی را که به او عاشق شده بود با هزار دینار بخرد. وقتی که خواست با کنیزک درآمیزد،

کنیزک ابا کرد. عیار پرسید: موجب این بی‌مهری چیست؟

کنیز گفت: هیچ، جز این که از تو خوشم نمی‌آید.

عیار پرسید: علت این خوش‌نیامدن چیست؟

کنیزک گفت: من از همه سیاهپوستان نفرت دارم.

عیار بدون اینکه خشمگین شود دست از او برداشت و سپس گفت: آرزوی تو چیست؟ از من چه می‌خواهی؟

کنیزک گفت: این که مرا به دیگری بفروشی.

عیار گفت: نه، بهتر از این خواهم کرد.

و... او را نفروخت، بلکه او را نزد قاضی برد و در حضور قاضی، بی‌هیچ قید و شرطی آزاد کرد و یک هزار دینار هم به او بخشید.

مردم از این سعه صدر و بخشنده‌گی او در عجب ماندند. اما خود زبد، عاشق ناکام، از بغداد به شام مهاجرت کرد و در آنجا

درگذشت.»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۴۷۸/باید-کار-شدن-عیار>